

مزرعه‌ی حیوانات

(زمان طلایی آینده)

رئیس‌ننده

جورج اورول



مترجم

شهناز ممیزی



نگار پنگوئن

سرشناسه: اورول، جورج، ۱۹۰۳ - ۱۹۵۰ م. Orwell, George
 عنوان و نام پدیدآور: مزرعه‌ی حیوانات (زمان طلایی آینده) نویسنده جورج اورول؛ مترجم شهناز مجیدی؛
 ویراستار: محمدرضا قدیانی
 مشخصات نشر: تهران: بنگون، ۱۳۹۶.
 مشخصات ظاهری: ۱۱۳ ص؛ ۱۴۱۵×۲۱۵ س. م.
 شابک: 978-600-97043-0-9
 وضعیت فهرست نویسی: فیا
 یادداشت: عنوان اصلی: Animal Farm
 یادداشت: کتاب حاضر در سال‌های مختلف توسط ناشران و مترجمان متفاوت منتشر شده است.
 موضوع: داستان‌های انگلیسی -- قرن ۲۰ م.
 موضوع: English fiction -- 20th century
 شناسه افزوده: مجیدی، شهناز (حمزه‌لو)، ۱۳۲۷ -، مترجم
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ق ۸ ۸۷۲ الف الف PZ
 رده بندی دیویی: ۸۲۳۱۹۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۰۰۵۸۲



نام کتاب: مزرعه‌ی حیوانات

ناشر: پسرین

نویسنده: جورج اورول

مترجم: شهناز مجیدی

ویراستار: محمدرضا قدیانی

طراح جلد و مدیر هنری: رگس یزدان‌ار

ناظر چاپ: راحله یزدان‌یار

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول

لیتوگرافی: اردلان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۰۴۳-۰۰-۹

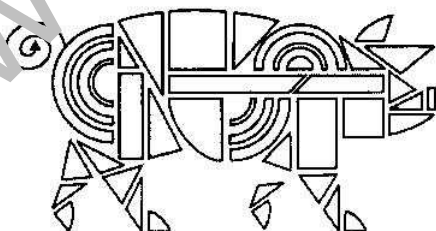
قیمت: ۶۰۰۰ تومان

مرکز پخش: خ آذربایجان، بین ۱۲ فروردین و اردیبهشت، بن‌بست میری پلاک ۱۴

تلفن: ۶۶۹۷۷۵۷۳ - ۶۶۹۷۷۵۷۹

فهرست

۷	زندگی و مرگ
۹	درباره‌ی کتاب
۱۱	فصل اول
۲۱	فصل دوم
۳۱	فصل سوم
۳۹	فصل چهارم
۴۵	فصل پنجم
۵۵	فصل ششم
۶۵	فصل هفتم
۷۷	فصل هشتم
۹۱	فصل نهم
۱۰۳	فصل دهم



زندگی و مرگ

اریک آرتور بلر با نام مستعار جورج اورول در سال‌های (۱۹۰۳-۱۹۵۰م) زندگی می‌کرد. اورول رمان‌نویس، مقاله‌نویس، روزنامه‌نگار و منتقدی انگلیسی بود.

او آثار خود را به زبان ساده در زمینه‌ی مبارزه با بی‌عدالتی اجتماعی، مخالفت با دیکتاتوری و تعهد به سوسیالیسم دمکراتیک عرضه می‌نمود. او متولد مویهاری بود و پدرش کارمند ساده‌ی دولت استعمارگر بریتانیا در هندوستان بود و مادرش هم دختر یک تاجر چوب ناموفق در برمه بود.

او به همراه خانواده‌اش به انگلستان مهاجرت کرد و در سال ۱۹۱۱م در یک مدرسه سه‌ساله برای تحصیل پرداخت که موفق به دریافت بورس تحصیلی از دانشگاه‌های معتبر بریتانیا شد.

او در سال ۱۹۲۲م به برمه رفت و در همان سال در آن‌جا معاون پلیس منطقه امپریال شد.

هنگامی که متوجه رفتار استعمار بریتانیا در برمه شد از نقش خود به عنوان یک افسر استعماری احساس نرمندگی فزاینده‌ای کرد و در سال ۱۹۲۷م با آخرین مرخصی خود به انگلستان سفر کرد و هرگز به محل کار خود بازنگشت.

زندگی در محیط طبقاتی در هند و انگلیس و پاریس باعث نگاه ویژه‌ی او به پدیده‌ی فقر شد. موضوعی که مهم‌ترین نگرانی‌ها و نوشته‌های او بود. او حتی به پاریس هم سفر نمود که باعث عدم موفقیت او برای نویسندگی شد و او را به سوی یک نویسنده مشاغل پست مجبور ساخت. حتی برای تجربه در جوانی بین فقرا و بی‌خانمانان و کارگران رفت و در بعضی اوقات هم در ظرفشویی یک هتل کار می‌کرد. او از تجربیات خود برای نوشتن کتاب‌هایش استفاده نمود.

جورج اورول هم، همانند بسیاری از نویسندگان و روشنفکران هم‌عصر خود در دهه‌ی ۱۹۳۰م به اسپانیا رفت و به حزب جمهوری‌خواه

پیوست تا علیه ارتش فاشیست ژنرال فرانکو بجنگد. او در آن جنگ مجروح شد و دیگر قادر نبود که در جنگ شرکت کند.

او به خاطر نبوغش در مسائل اجتماعی و مکتب تساوی طلبی (عدالت و برابری) تحسین می‌شد و از سوی دیگر به خاطر روحیه وطن پرستی و عشق به ادبیات انگلیسی به فردی تبدیل شد که در سال‌های جنگ جهانی دوم به عنوان مرجع تحلیل‌های سیاسی و اجتماعی معرفی می‌شد.

او در سال‌های ۱۹۴۱-۱۹۴۳م در رادیو بی‌بی‌سی و ویراستار ادبی نریسون که یک مجله‌ی جناح چپ بود مشغول کار بود ولی در سال ۱۹۴۳م پس از مرگ مادرش کار بر روی رمان آرمان‌شهری که تا به امروز هم با آن شهرور است با نام «مزرعه حیوانات» مشغول شد. اورول یک سیگاری تم‌دار بود به شکلی که با وجود وضعیت وخیم ریه‌هایش همیشه در حال کشیدن سیگارش بود.

او همچنین علاقه شدیدی به نه‌کیندن جای داشت که این علاقه منجر به نوشتن مقاله‌ای با نام «چگونه یک جای عالی درست کنیم» شد. اورول پس از نوشتن کتاب «۱۹۸۴» به دلیل بیماری مزمن ریوی‌اش در بیمارستان بستری شد. او در یک بعد از هفت ماه پس از چاپ کتاب ۱۹۸۴ در سال ۱۹۵۰م درگذشت. به درخواست خود او پیکرش را سوزاندن و خاکسترش را در گورستانی گمنام در کنای به نام «ساتن تورتنی» در نزدیکی اکسفورد به خاک سپردند. بر روی سنگ قبرش هم هیچ اشاره‌ای به شهرت و نامی که با آن آوازه جهانی داشت حک نشده.

خانه‌ی او در شهر موتیهاری در ایالت بیهار هندوستان توسط دولت محلی به موزه تبدیل شد.

درباره‌ی کتاب

کتاب حاضر طنزی ضدآرمانی و نقدی بر حکومت کمونیستی است و برگرفته از رویدادهای بلشویک^۱ پیروزی روسیه و خیانت ژوزف استالین است.

در این کتاب با گروهی از حیواناتی که در یک مزرعه زندگی می‌کنند و برای سرنگونی اربابان انسانی استعماری خود به دنبال راندن جامعه‌ای مساوات طلبانه‌ای برای خود هستند روبرو می‌شوید.

خوک با نام نپسون در نهایت هوشمندی و قدرت، دوست و مسئول حیوانات شد و جنبشی را برپا ساخت، به شکلی که خود او به یک دیکتاتور ظالم و بی‌علاقه تبدیل شد حتی بدتر از اربابان انسانی سابق خود.

او قوانینی را وضع کرد که اگر کسی بزرگی برای حیوانات بود، یکی از معروف‌ترین قوانین وضع شده توسط او که بر مبنای هفت قانون معروف مزرعه حیوانات است را برای شما بازگو می‌کنم: «همه‌ی حیوانات با هم برابرند، ولی برخی برابرترند».

این رمان به دلیل اشاره‌ی غیر مستقیم به شوروی که آن زمان متحد بریتانیا بود، تا یک سال پس از انتشار اجازه‌ی چاپ نداشت.

۱. دسته‌ای از حزب کارگر سوسیال دموکرات مارکسیستی روسیه بودند که در دومین کنگره حزب در سال ۱۹۰۳م به فرماندهی ولادیمیر لنین از دسته‌ی منشویک‌ها (اقلیت) جدا شدند و نهایتاً حزب کمونیست شوروی را تشکیل دادند.